ثبت شد و تا به امروز هم در حال برگزاری است. یاد دارم در کشتی سوخته سرایی با مالخواس بیش از ۲۰ هزار تماشاگر به سالن ۱۲ هزار نفری آزادی آمده بودند و جا برای سوزن انداختن نبود، نه اینکه تماشاگران مجانی به سالن بیایند نه، بلیت می‌خریدند و برای تماشای کشتی‌ها می‌آمدند.

پس چرا امروزه تماشاگران همچون گذشته از کشتی استقبال نمی‌کنند و کمتر به ورزشگاه می‌آیند؟

خب این دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل تغییرات زیاد و پشت سر همی بود که فدراسیون بین‌المللی در قوانین کشتی ایجاد کرد. تایم‌های کشتی را عوض کرد. قوانین جدید به نحوی بود که امکان اجرای فن را تا حدودی از کشتی‌گیران می‌گرفت تا از زیبایی کشتی کاسته شود. عواملی از این دست تماشاگر را از کشتی زده کرد، به نحوی که خود ما هم که عاشق کشتی هستیم بعضاً لذتی که باید از دیدن کشتی‌ها ببریم را نمی‌بریم. فیلا در اقدامی دست به برگزاری مسابقات در یک روز کرد و این موضوع باعث شد تا تماشاگران کمتری در طی روزهای برگزاری مسابقات به سالن بیایند. به عنوان مثال ما صد کشتی‌گیر داریم که هر کدام صد هوادار دارند و روی هم می‌شوند ده هزار تماشاگر. خب وقتی مسابقات چهار وزن اول در یک روز برگزار شود و تمام، معلوم است تماشاگران آن دسته از کشتی‌گیرانی که در روز نخست مبارزاتشان تمام شده دیگر در روز دوم مسابقات به ورزشگاه نخواهند آمد. در گذشته مسابقات تمامی اوزان در دو، سه روز برگزار می‌شد و همین باعث می‌شد تا تماشاگران در تمام روزهای مسابقات برای دیدن کشتی‌های کشتی‌گیر مورد علاقه خود به سالن برگزای رقابت‌ها بیایند.

شاید بتوان جام تفلیس آن زمان را با جام یاریگین این روزهای روسیه مقایسه کرد که در آن روس‌های زیادی به میدان می‌روند و قهرمانی غیرروس‌ها در این تورنمنت کار بسیار سختی است.

یاریگین تورنمنت معتبری است اما با جام تفلیس قابل قیاس نیست.

اگر بخواهیم کشتی‌گیران برتر دهه‌های اخیر کشتی را برایمان معرفی کنید از چه افرادی نام می‌برید. مثلاً بهترین کشتی‌گیر دهه ۵۰ میلادی از نظر منصور برزگر چه کسی است؟

در این دهه ما دو ابر کشتی‌گیر داشتیم، غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی که در المپیک ملبورن هم طلا گرفتند. تختی بزرگترین قهرمان ما از نظر اخلاق و مدال‌آور است. آقای حبیبی هم یک کشتی‌گیر سرعتی بود که رودست نداشت.

دهه ۶۰ میلادی؟

در دهه ۶۰ عبدالله موحد از ایران واقعاً نابغه بود و از همه نظر از او درس می‌گرفتیم و الگوی خود من بود. واقعاً خیلی درس‌ها از آقا عبدالله گرفتم. از حرکاتش، از حرف‌هاش، از سلحشوریش و....

دهه ۷۰؟

در دهه ۷۰ من تنها مدال بگیر کشتی ایران بودم.

اگر بخواهید در دهه ۷۰ میلادی نفری را غیر از خودتان نام ببرید به چه کسی اشاره می‌کنید؟

در این دهه محسن فرح وشی بود، ابراهیم جوادی بود و من؛ که البته فرح وشی یک دوره مدال گرفت و در ادامه بیشتر دنبال حاشیه رفت چه بسا اگر فقط دنبال کشتی بود به خاطر تکنیک و شعور کشتی‌اش به مدال‌های بیشتری می‌رسید. جوادی هم تا سال ۷۳ بیشتر کشتی نگرفت و از ۷۳ تا ۷۸ هم که من مربی شدم فقط یک نقره گرفتیم. مسابقات جهانی ۷۸ هم دو نقره و دو برنز گرفتیم و تیم بعد از چند سال سوم شد و آنجا هم بود که مربیگری من تثبیت شد.

دهه ۸۰؟

متأسفانه در دهه ۸۰ ما کشتی نداشتیم. تیم ایران به خاطر تحریم المپیک، حضور در دو المپیک لس‌آنجلس و مسکو را از دست داد. من تا سال ۸۴ مربی بودم که تیم اعزام نشد. سال بعدش یادم نیست تیم رفت یا نرفت. در جهانی کانادا اصلاً مدال نگرفتیم. حسن محبی در قهرمانی دنیا، دوم شد گفتند از روی سکو پایین بیاید و نگذاشتند و خیلی حاشیه‌ها درست شد، خیلی بد برخورد شد تا سال ۸۹.

سال ۷۹ مسابقات در سن‌دیه‌گو آمریکا بود که تیمی اعزام نشد. المپیک ۱۹۸۰ در مسکو بود ایران المپیک را تحریم کرد. مسابقات جهانی ۱۹۸۱ در اسکوپیه در یوگسلاوی برگزار شد و تنها رضا سوخته‌سرایی به نقره رسید. سال ۱۹۸۲ در رقابت‌های جهانی ادمونتون در کانادا تیم ایران با سرمربیگری محمود معزی‌پور به مدالی نرسید. سال ۱۹۸۳ تیم به رقابت‌های جهانی کی‌یف در شوروی سابق اعزام نشد. ایران در سال ۱۹۸۴ المپیک لس‌آنجلس را تحریم کرد. سال ۱۹۸۵ مسابقات جهانی در بوداپست مجارستان برگزار شد و مجید ترکان و محمد حسن محبی به مدال نقره رسیدند. سال ۱۹۸۶ باز مسابقات در بوداپست بود اما تیمی به مسابقات اعزام نشد. سال ۱۹۸۷ هم تیم به مسابقات جهانی کلرمونت فراند در فرانسه نرفت. سال ۱۹۸۹ در رقابت‌های جهانی مارتینی سوییس مجید ترکان برنز گرفت، عسگری محمدیان نقره و علیرضا سلیمانی به طلا رسید.

درست که کشتی‌گیران به مسابقات اعزام نشدند اما خب کشتی ما چهره شاخص خود را داشت، حتی اگر به مسابقات هم نرفته باشند.

بله آن زمان رضا سوخته‌سرایی بود، علیرضا سلیمانی بود، حسن و حسین محبی هم بودند.

خب از بین اینها کدام یک از نظر فنی کشتی‌گیر بهتری بود؟

محمدحسین محبی.

در دهه ۹۰ چطور؟

در دهه ۹۰ تیم ما دیگر خیلی خوب بود. رسول خادم بود، امیر خادم، عباس جدیدی و در ادامه علیرضا دبیر اضافه شد.

خب اگر بخواهید یک نفر را در این دهه انتخاب کنید چه کسی را انتخاب می‌کنید؟

اینجا دیگر نمی‌توانم کسی را انتخاب کنم، از من نخواهید.

سال ۲۰۰۰ به بعد چه؟

در این دهه هم کشتی‌گیران خوبی داشتیم اما دوست ندارم در این دهه هم کسی را انتخاب کنم.

از ۲۰۱۰ به بعد؟

از نظر حرکتی احسان لشگری از بقیه بهتر بود. احسان پای چپ را می‌گرفت، پای راست را می‌گرفت. یک کشتی تمام عیار ایرانی می‌گرفت. البته مهدی تقوی هم هست که فقط چپ می‌گرفت و من چون خودم چپ می‌گرفتم چپ‌گیرها را دوست دارم. صادق گودرزی هم فقط چپ می‌گرفت. حسن رحیمی هم هست اما به نظر زود کلک می‌خورد اما خب همانطور که گفتم احسان لشگری کشتی کامل‌تری از بقیه اینها داشت.

اگر بخواهید از برترین کشتی‌گیران دهه‌های اخیر دنیا نام ببرید چه کسی را به ما معرفی می‌کنید؟

در دوره ما لوان تدیا شویلی نابغه‌ای بود برای خودش که در سه وزن مدال گرفت و واقعاً خوب بود. در دهه‌های قبل هم گورام ساکارادزه، ولادمیر سیناوسکی و الکساندر مدوید بودند که البته من تنها کشتی‌های مدوید را دیدم و زیاد نپسندیدم. در دهه‌های بعد از ما هم چهره‌هایی چون جان اسمیت، ماخاربک خادارتسف، بوایسار سایتی اف از بهترین‌های دنیا بودند. در حال حاضر هم آمریکایی‌ها یک ستاره دارند به نام جردن باروز که البته حرکات زیادی ندارد و فقط در یکی دو حالت کشتی می‌گیرد. در دوره ما اگر کشتی‌گیری دفاع نداشت، در اصطلاح پا نداشت، اصلاً نمی‌توانست کشتی بگیرد. یا اگر در خاک نمی‌توانست بنشیند و دفاع کند و اگر روی خاک نمی‌توانست فن بزند، سگک کند، کلاته کند یا کنده بکشد کارش ساخته بود. باروز فقط زیرگیری می‌کند و شما فن دیگری از او نمی‌بینید. در زمان ما کشتی‌گیران از خدایشان بود که حریف پایشان را بگیرد تا انواع و اقسام فنون را روی رقیب اجرا کنند اما الان اینطور نیست. الان کشتی‌گیران در اصطلاح پا ندارند، یعنی سه‌دانگ کشتی را ندارند، ما اگر پایمان را قرص کنیم این آمریکایی نمی‌تواند ما را ببرد. دو تا خیمه خوب روی سر این آمریکایی خورده شود کارش تمام است. یک بار با صادق گودرزی کشتی می‌گرفت، صادق سروگردن‌اش را گرفت، رد کرد به پایش رسید خاک‌اش کرد یک بارانداز هم زد. وقتی یک کشتی‌گیر در خاک نمی‌تواند دفاع کند، پا هم ندارد صادق باید برایش نقشه می‌کشید اما متأسفانه در این رفت و برگشت می‌آمد و به پای صادق می‌خورد و به امتیاز می‌رسید.

شاید بهترین کشتی را در بین ایرانی‌ها همان عزت‌الله اکبری با باروز گرفت که جدا با این کشتی‌گیر مبارزه کرد و تا وقتی هم حواس‌اش بود در برگشت‌ها به پای‌اش نرسد خوب مبارزه کرد.

اکبری تا حدودی روی پاهایش حرکت داشت و یک دوره هم کشتی گرفت و رفت و نمی‌تواند با یک دوره کشتی قضاوت کرد.

به نظر می‌رسد کشتی دنیا بعد از چند دهه که در اوج حساسیت و سطح کیفی برگزار می‌شد دچار افت شده است.

چندی پیش با محمدابراهیم سیف‌پور صحبت می‌کردیم و او که از قهرمانان خوب ما بود و در چند وزن به مدال جهانی رسید، می‌گفت یک روز یکی از کشتی‌گیران نزد غلام زندی آمد و سؤال کرد که کشتی الان چطور است و کشتی در زمان شما چطور بود که زندی در جواب به کنایه گفت بابا آن زمان که ما کشتی می‌گرفتیم زمان جنگ بود، الان زمان صلح است! واقعاً آن موقع کشتی جنگ بود. هر وقت کشتی می‌گرفتی تمام صورتت زخم می‌شد. قدیم‌ترها می‌گویند به تختی که نگاه می‌کردیم تمام صورت و بدن‌اش زخمی بود. خود من یک کشتی گرفتم با یکی از قهرمانان یوگسلاوی که قهرمان جهان و اروپا بود، در دوران کشتی‌ام این اندازه با هیچ کشتی‌گیری زد و خورد نکرده بودم. وقتی از تشک بیرون آمدم تمام سر و صورتم زخمی بود و باد کرده.

غلام زندی یا عباس زندی؟

نه غلام برادر عباس زندی؛ که یک آدم تحصیل کرده‌ای که کشتی هم می‌گرفت و آن زمان هم در دانشگاه تهران تربیت بدنی درس می‌داد. آدم جالبی بود و در وادی دیگری سیر می‌کرد.

چه شد که به یکباره کشتی در جهان اوج گرفت؟

در دهه ۷۰ میلادی جنگ جهانی تمام شد و کشتی در اوج خود بود. کشورهای کمونیستی می‌خواستند بگویند ایدئولوژی ما بهتر است. روی ورزش بیشتر کار می‌کردند و دوپینگ تازه آمده بود روی کار. تأثیر فیلم‌هایی چون فرانکنشتاین بر جوامع و علم باعث رواج دوپینگ شده بود. کمونیست‌ها همه دوپینگ می‌کردند. آمریکایی‌ها دوپینگ‌های پیشرفته می‌کردند. ما هیچ کاری نمی‌کردیم، اصلاً نمی‌دانستیم آسپرین چیست چه برسد به دوپینگ. مسائل اینچنینی آنقدر زیاد شده بود که در ادامه حتی مردم آلمان شرقی از دولت‌های آن زمان خود شکایت کردند که از ما برای آزمایشات خود به‌عنوان یک خوکچه هندی استفاده می‌کردند. مثلاً همین کارلسون سوئدی رفت و خودش را از پشت بام به پایین انداخت. می‌گفتند یک پرفسور رویش کار می‌کرد. این مسائل باعث شد کشتی در دنیا به اوج برسد و ما عقب بمانیم. کشتی کلی طرفدار پیدا کرد و در جهانی صوفیه بیش از ۳۰ هزار تماشاگر به ورزشگاه آمده بودند. اگر ما هم به موفقیتی می‌رسیدیم فقط به‌خاطر تکنیک‌مان بود یا تک‌ستارهایی مثل من، وگرنه دیگر نتوانستیم مدال بگیریم به‌خاطر این مسائل. آمریکایی‌ها هم به کشتی علاقه‌مند بودند و با حمایت‌های جان دپونت که یکی از خانواده‌های سرشناس و پولدار آمریکا بود خیلی پیشرفت کرد. دپونت کاری کرد تا کشتی آمریکا در دهه ۸۰ خیلی موفق شود. او از دوستان دیوید شولتز بود و خود او بود که به شلیک گلوله شولتز را کشت. جان دپونت علاقه زیادی هم به والنتین یوردانوف داشت و با حمایت‌های او یوردانوف بلغاری به آمریکا می‌رفت و در ایالات متحده اردو می‌زد و تمرین می‌کرد. با به زندان رفتن دپونت که به کشتی خیلی رسیدگی کرد کشتی آمریکا هم افت کرد.

چه شد که به یکباره کشتی در جهان افت کرد؟

علاوه بر تغییر قوانین و بلاهایی که فدراسیون جهانی کشتی طی یک دوره نسبتاً طولانی بر سر کشتی آورد، اخیراً شاهد این بودیم که با کلک‌های سینمایی و اَه اِه اَه و... رشته‌های رزمی را روی کار آوردند و ورزش را خراب کردند. من عضو کمیته مربیان فیلا بودم و در جلسه‌ای که در فنلاند داشتیم رئیس فدراسیون کشتی فنلاند به من گفت کشتی فرنگی ورزش رزمی ما بوده. در مجارستان هم که بودم رئیس فدراسیون کشتی مجارستان هم همین را به من گفت. شما تاریخ را که ورق بزنید بخصوص تاریخ رم و یونان که غرب وام‌دار آنهاست می‌بینید کشتی فرنگی که به آن «گِرکورومن» که نامی یونانیرومی است گفته می‌شود، حکم ورزش رزمی را برای اینها داشته است.

دلایل افت کشتی آمریکا را گفتید. علت افت کشتی روسیه چیست؟

از سال ۱۹۹۲ که شوروی سابق فروپاشید کشتی روسیه تقسیم شد. ما الان در ایران چند منطقه داریم که کشتی‌گیر دارد و کشتی‌گیرخیز است. شما خیلی کم از زاهدان و شیراز کشتی‌گیر می‌بینید. در مناطق جنوبی ما باید ورزش‌هایی مثل دوومیدانی و ورزش‌های استقامتی را گسترش داد، چراکه محیط این ورزش‌ها را می‌طلبد. من بندرعباس، بوشهر و... بوده‌ام اما آیا ما این ورزش‌ها را به این مناطق می‌بریم و فرهنگ ورزش‌های استقامتی و هوازی را حاکم می‌کنیم؟ آیا متخصص فرستاده‌ایم اینجاها؟ در روسیه هم چند منطقه هستند که کشتی‌خیز هستند. یکی داغستان است که بیشترین کشتی‌گیر را دارد و البته چند منطقه دیگر. وقتی شوروی فروپاشید کشورهایی چون ازبکستان روابط سیاسی و دولتی خود را با روسیه حفظ کردند. هنوز آن مافیای شوروی سابق وجود دارد و اینها کشتی‌گیران خود را تقسیم می‌کنند و دیدیم که در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی آرتورتایمازوف که خود برای منطقه اوستیا است در فینال در یک کشتی مصلحتی نتیجه را به دیوید موسل بز روس -که او هم برای اوستیا استواگذار کرد. در ادامه هم دیدیم از سال ۲۰۰۷ موسل بز خود برای اسلواکی کشتی گرفت. می‌خواهم این را بگویم که کشتی‌گیران روسیه تقسیم شده‌اند و روسیه به آذربایجان، ارمنستان، مولداوی، ازبکستان و... کشتی‌گیر می‌دهد، در حالی که در گذشته تمامی این کشورها در قالب یک تیم راهی مسابقات جهانی می‌شدند اما حالا نیروها تقسیم شده‌اند و آن تیم قدرتمند متمرکز را ندارند.

البته در دهه ۹۰ هم خیلی خوب بودند و ما شاهد حضور برادران سایتی اف، برادران خادارتسف و... در ترکیب این تیم قدرتمند بودیم.

بله اما آن اقتدار دهه ۷۰ و ۸۰ را نداشتند. الان کشتی ایران یکپارچه مانده و ما می‌توانیم راحت اینها را شکست دهیم، اما متأسفانه حمایت خوبی نمی‌شود. ما الان در کشتی مربی نداریم؛ کسی که کشتی را از پایه آموزش دهد. من به‌جای دولت بودم پنج تا مربی سازنده را می‌فرستادم آذربایجان تا استعدادهای این منطقه را آموزش دهند. این منطقه مربی خوب دارد اما مربی سازنده‌ای که از پایه کار کند نه. ما می‌بینیم یک کشتی‌گیر آذربایجانی که در تهران آموزش دیده کلاس کشتی‌اش بالاست.

یک کشتی‌گیر بود به نام آدولف زیگر از آلمان غربی که شما دوبار با او کشتی گرفتید. در المپیک ۱۹۹۲ مونیخ به او باختید و سال بعد در مسابقات جهانی ۱۹۹۳ تهران او را شکست دادید. از این دو کشتی برای‌مان بگویید.

در المپیک آدولف زیگر، توپش را پر کرده و هرچه دارو بود به خودش زده بود. ضمن اینکه کشتی را داورها نمی‌گذاشتند من بگیرم. زیگر از آن کشتی‌گیرانی بود که در خاک می‌پیچید و نمی‌گذاشت رویش کار کنی. مرحوم علی غفاری به من می‌گفت مچ پایش را بگیر تا حرکت نکند و من مچش را می‌گرفتم اما داور به من اخطار می‌داد که باید کار کنی. اصلاً من می‌گفتم بلند شو سرپا اما داورها نمی‌گذاشتند و می‌گفتند باید در خاک کار کنی. یعنی کشتی را به سبکی که آن می‌خواست درآورده و از دست من درآوردند و این در حالی بود که المپیک مونیخ آماده‌ترین دوره‌ای بود که من کشتی می‌گرفتم. خیلی آماده بود و با اینکه از زیگر جلو بودم ضربه‌فنی شدم. سال بعد در جهانی تهران شب اول با زیگر دیدار کردم. کشتی اول بود، بدجوری بریده بودم و بدنم راه نیفتاده بود. ۴ بر ۲ جلو بودم که کنده‌ام را کشید و مساوی شدیم.

همانجا بود که کفش‌تان درآمد و سیف‌پور که مربی تیم بود کفش‌تان را انداخت بین تماشاگران؟!

کفشم را سیف‌پور درآورد تا کمی استراحت کنم اما به داخل تماشاگران پرتاب نکرد. اگر کشتی با زیگر در شب نخست نبود و بدن راه می‌افتاد بهتر کشتی می‌گرفتم. بعد زیگر به بلغار باخت، من بلغار را بردم و اوت شد. چنانچه در ادامه خیلی خوب کشتی گرفتم و با هشت کشتی قهرمان جهانی تهران شدم و این در حالی است که فرح‌وشی و جوادی با شش کشتی قهرمان شدند.

شما بیشتر با کدام کشتی‌گیر کری داشتید، مثلاً مثل علیرضا حیدری و الدار کورتانیدزه که کشتی‌های‌شان به نوعی تبدیل به کری‌خوانی شده بود؟

من با کسی کری نداشتم. من با استنلی دِزید زیک آمریکایی دوبار کشتی گرفتم که من را برد و بعد من در المپیک شکستش دادم. در همان دوره‌ای که من را برد رفت به کشتی‌گیر روسیه باخت و من آن کشتی‌گیر را بردم.

به روسلان آشورعلی‌یف از روسیه باخت؟

نه، یک روس دیگر بود که لنگ کار بود و من با لنگ بردمش. در بلغارستان به الکساندر نانوف باخت، من رفتم با نیم پوئن نانوف را بردم. من بیشترین کشتی را با آشورعلی‌یف گرفتم.

یعنی با آشورعلی‌یف هم کری نداشتید؟

من شش‌بار با آشور علی‌یف کشتی گرفتم. یک‌بار در مینسک من را ضربه‌فنی کرد، یک‌بار هم در جام‌جهانی من کنده‌اش را کشیدم، پوئن من را ندادند. دوبار هم من در تهران بردمش. یک‌بار هم در المپیک کشتی گرفتیم که دو امتیاز من را ندادند اما بعد دادند. بعد آمدیم مسابقات جهانی ۱۹۷۷ لوزان. در
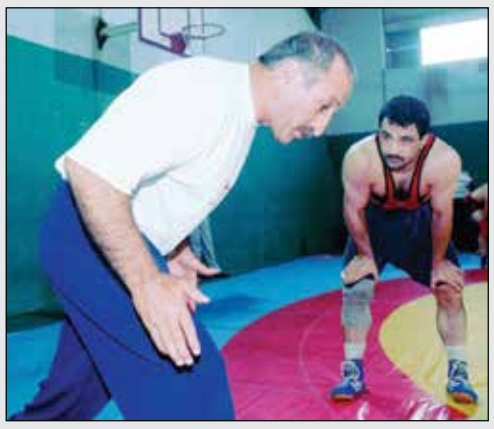
- کدخدایی در جهانی کی‌یف کشتی می‌گرفت به مدال می‌رسید
- همه‌جور شاگردی در کلاسم داشتم؛ از قداره‌کش تا وزیر
- تیم ایران در جهانی کی‌یف فنا شد
- بهروز یاری یکی از باهوش‌ترین کشتی‌گیرانی است که دیده‌ام.
- اگر یاری در آن مسیر نمی‌افتاد حالا یکی از مدیران بزرگ ورزشی ما بود
- آدم از دعوا با جدیدی هم لذت می‌برد